

شرایط موعظه در صحیفه سجادیه

شوکت علی

چکیده

موعظه یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌ها در عرصه تربیت است که استفاده کردن از عواطف انسان‌ها و با تحریک آن می‌توان توده‌های عظیم مردم را به طرف حق متوجه ساخت، امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه از همین روش استفاده فرموده‌اند. پژوهش حاضر تحت عنوان "موعظه در صحیفه سجادیه" در حقیقت به دنبال این است که واعظ و مخاطب و محتوای موعظه باید چه شرائطی داشته باشند که موعظه موفق و تأثیرگذار باشد، همچنین انواع موعظه در نگاه صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: روش، موعظه، تربیت، روش تربیتی، صحیفه سجادیه

بیان مسئله

«موعظه» به عنوان یکی از شیوه‌های تربیتی ضروری و موثر در اسلام و در فرهنگ و رسوم جوامع بشری از وظایف مهم معلمان تاریخ بشریت، از آدم تا خاتم، برای رسیدن به کمال و سعادت و رستگاری انسان‌ها در زندگی مادی و معنوی، همواره وجود داشته است. موعظه، فطرت انسان را بیدار می‌کند و در دل می‌نشیند و از دلیل و برهان و امر و نهی بیشتر تأثیر دارد.

موعظه و پند از روش‌های آسان و عمومی برای رساندن انسان به هدف‌های بلند کمال است که اگر به روش زبانی باشد جنبه راهنمایی دارد و اگر به شیوه عملی و رفتاری باشد همگام شدن با مردم است. البته راهنما باید راه و چاه را بشناسد تا بتواند مردم را به راه مستقیم ارشاد کند.

صحیفه سجاده‌ای اثری است جامع و کامل که از منبعی مصون از هرگونه اشتباه، خطا و انحراف، سرچشمه گرفته است که متصل از منبع وحی الهی است و سرشار از آموزه‌های تربیتی اسلام به ویژه‌ای موعظه می‌باشد که به زبان دعا امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند. امام سجاده (علیه السلام) برای انجام رسالت خود که همان هدایت و تربیت انسان هاست، با توسل به شیوه دعا و نیایش، از مکتب تشیع علوی پاسداری کرد و به گسترش آموزه‌های اسلامی و تربیت انسان‌ها پرداخته‌اند.

مقدمه

انسان دائماً در معرض نسیان و خطا و وسواس شیطانی و تحت تأثیر نفس اماره قرار دارد، و یکی از روش‌های مهم تربیت و سازندگی انسان روش موعظه و نصیحت است که کاربردی عام و فراگیر دارد. گزینه فطری هر مسلمان خواهان نصیحت و خیرخواهی است و شالوده تکالیف عمومی بر اساس اصلاح عیوب نفسانی و روانی فرد و جامعه است و هدف از خلقت انسان، همین تکامل، شناخت و رفع عیوب در پند و اندرز و راهنمایی است.

موعظه سخنی است که قلب را نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف را تحریک می‌کند و موجب می‌شود تا انسان متذکر شود، از کجی و پلیدی دست بردارد و به خوبی‌ها روی آورد و در نتیجه موعظه دارویی است شفابخش برای دل‌هایی که در اثر تکاب گناه و معصیت بیمار گشته و زنگار گرفته است.

در پژوهش حاضر بیان می‌شود که واعظ و مخاطب و محتوای موعظه باید چه شرائطی داشته باشند که موعظه موفق و تأثیرگذار باشد.

تعریف موعظه

موعظه که هم در معنای اسمی و هم در معنای مصدری به کار می‌رود، از ریشه "وعظ" بوده و در لغت به معنی بازداشتن همراه با ترساندن است. (راغب اصفهانی، ذیل ماده "انذار"؛ ۱۴۱۲ ق ج ۱، ص ۷۴)

خلیل بن احمد آن را تذکر دادن به خیر و چیزهای که دل در برابر آنها نرم می‌شود، معنی کرده است. (فراهیدی، کتاب العین، ذیل ماده "وعظ"؛ به نقل از: محمد رضا قائمی مقدم، روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۱، ص ۷۴)

صاحب مجمع البحرین بیان می‌کند: موعظه عبارت است از توصیه به تقوا، و برانگیختن نسبت به طاعت‌ها و برحذر داشتن از مغرور شدن به ظواهر دلفریب دنیا و امثال آن. (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۷۴)

لغت شناسان در تعریف موعظه بر تعریف واحدی اتفاق نظر ندارند، ولی از تعاریف فوق چنین استنباط می‌شود که موعظه در معنای لغوی خود حداقل دو ویژگی دارد: یکی اینکه عمدتاً جنبه بازدارندگی دارد و دوم آنکه این بازدارندگی بیشتر از راه ترساندن است، به همین دلیل است که دل‌ها نرم و چشم‌ها گریان می‌کند. در عین حال، موعظه علاوه بر بازدارندگی، امر به نیکی‌ها را هم دربر می‌گیرد؛ بنابراین موعظه را می‌توان به بیان و یادآوری چیزهایی که در آدمی تولید ترس و نرمی می‌کند، تعریف کرد که به منظور اصلاح و واداشتن او به خوبی‌ها و یاد بازداشتن وی از بدی‌ها صورت می‌پذیرد. (محمد رضا قائمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۴)

شرائط موعظه

در فرایند موعظه سه رکن اساسی یعنی واعظ، محتوا و پیام و مخاطب وجود دارد که هر یک اهمیت خاص خود را دارند و بدون هر یک از آنها موعظه محقق نخواهد شد. به علاوه ثمردهی بهتر و نتیجه بخشی، موعظه مبتنی بر شرایطی است که در هر یک از این سه رکن باید وجود داشته باشد و در غیر این صورت، موعظه عقیم و یا از میزان ثمردهی آن کاسته می‌شود. (محمد رضا قائمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۹۶)

در ادامه به بررسی هر یک از این ارکان و شرایط آنها می‌پردازیم، و از صحیفه سجادیه بررسی می‌کنیم.

واعظ و نصیحت کننده

مهم‌ترین رکن موعظه، واعظ است؛ زیرا برنامه‌ریزی، شناسایی و انتخاب دو رکن دیگر و نیز نحوه و زمان اجرای موعظه به او بستگی دارد. از این رو به برخی از مهم‌ترین شرایط واعظ اشاره می‌کنیم:

۱. علم و آگاهی

یکی از شرایط لازم برای واعظ، آگاهی، دانایی و علم است که باید واعظ نسبت به محتوای موعظه، وضعیت و خصوصیات مخاطب، شیوه‌های وعظ، آسیب‌ها و آفات، زمان و مکان وعظ و سایر شرایط آن علم و بصیرت کافی داشته باشد، تا بتواند در هر مورد و متناسب با آن، به بهترین شیوه عمل کند. چرا که فرد اگر خود واجد چیزی نباشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بدهد و همچنین موعظه بدون علم و آگاهی باعث ضلالت و گمراهی مخاطبان می‌شود.

- نمونه‌ای از صحیفه سجادیه درباره علم واعظ

امام سجاد (علیه السلام) درباره این در صحیفه سجادیه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... أَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ خداوند! به تو پناه می‌برم از اینکه ... بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم» (صحیفه سجادیه، ص ۸۶، دعای ۸، فراز ۴)

یکی از وظایف عالمان، اظهار علم خود در جایی است که احتیاج به اظهار است و مردم به علم آنان احتیاج دارند. سخن گفتن و اظهار نظر از فرد جاهل قبیح است ولی کسانی که عالم‌اند تا حدودی که علم دارند و در زمینه آن کار کرده‌اند، واجب است که علم خود را اظهار کرده و با علم سخن بگویند. ما با تجزیه و تحلیل اطلاعاتی که در ذهن داریم، به نتایج می‌رسیم، براساس این نتایج تصمیم می‌گیریم و اقدام می‌کنیم. ما بخش عمده‌ای از این اطلاعات را که در واقع ماده خام فکر ما را تأمین می‌کند، از راه شنیدن دریافت می‌کنیم. حالا فکر کنید که بسیاری از این اطلاعات غلط باشند؛ چه پیش خواهد آمد؟ عده‌ای زیادی بر اساس این اطلاعات اشتباه، تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌ساز خواهند گرفت و بر اساس آن عمل خواهند کرد. مسؤلیت تمام این اشتباهات بر عهده کسانی است که با اظهار نظرهای کارشناسانه زمینه گمراهی دیگران را فراهم کرده‌اند. بنابراین واعظ نباید بدون علم و آگاهی سخن گوید، چون سخن گفتن بدون علم و آگاهی دارای مفاسدی عظیم خواهد بود که باید واعظ از آن برحذر باشد، به همین خاطر امام سجاد (علیه السلام) از سخن گفتن بدون علم و آگاهی به خدا پناه می‌برند. (علی اصغر رضوانی،

۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۶۵ و ۵۶۶؛ محمد رضا اعوانی و مجید یونسی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۹ و ۱۳۰)

۲. خیرخواهی

از شرایط دیگر واعظ، نصیحت و خیرخواهی او نسبت به مخاطب است و انگیزه‌های مادی و چشم طمع به اجر و پاداش از سوی مخاطب نداشته باشد، که در نتیجه مردم از یک سو خیرخواهی واعظ و از سوی دیگر بی‌رغبتی او به انگیزه‌های مادی را احساس کنند، به اندرز و موعظه‌های او اعتماد می‌کنند و تحت تأثیر می‌گیرند.

- نمونه‌ای از صحیفه سجادیه درباره خیرخواه بودن واعظ

امام سجاد علیه السلام درباره این در صحیفه سجادیه می‌فرماید:

«وَ أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ، وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ؛ وَ نِيكِي كَرْدَن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را با منت گذاردن باطل نفرما. و به من بزرگواری‌های اخلاقی عطا کن و مرا از فخر فروشی حفظ فرما» (صحیفه سجادیه ص ۱۳۰، دعای ۲۰، فراز ۳)

خیرخواهی دیگران و دگر دوستی، این صفت در مقابل خود دوستی است. خود دوستی را تمام حیوانات، حتی حشرات هم دارند؛ مثلاً مگس و پشه، این دو حشره ناچیز هم خود دوستی دارند، وقتی به بدن انسان نشسته، همین که دست او نزدیک آمد، احساس خطر می‌کند و فوراً فرار می‌نماید، چرا؟ زیرا به خودش و زندگیش علاقه دارد. این خود دوستی ما انسان‌ها هم داریم و حیوانات هم دارند؛ ولی هیچ یک از این تمایلات حیوانی معیار عظمت و بزرگی انسان نیست، معیار بزرگی و عظمت انسان، خیرخواهی دیگران و دیگر دوستی است و به هر نسبت که خیرخواهی دیگران، در جامعه تقویت شود و علاقه به مردم و حفظ لزوم خدمت‌گزاری به مردم تقویت گردد، دلالت دارد بر اینکه انسانیت رشد بیشتری کرده و بشر قدم‌های بلندتری به سوی تعالی و تکامل برداشته است. بنابراین خیرخواهی دیگران برای هر انسان لازم و ضروری است و کسی که نقش مربی و واعظ را داشته باشد، برای او که به درجه اولی لازم و ضروری است، پس واعظ باید بدون انگیزه مادی، خیرخواهی مخاطب را داشته باشد. (محمد تقی فلسفی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۷۷ و ۱۸۴)

۳. عامل بودن

یکی از شرایط و عوامل مهم و بسیار مؤثر در اثر بخشی موعظه، عامل بودن واعظ به گفته خویش و به عبارتی، تطابق رفتار با گفتار او است، زیرا رفتار مربی و واعظ جنبه الگویی دارد و این دوگانگی در قول و فعل او به دیگران منتقل می‌شود.

- نمونه‌ای از صحیفه سجادیه درباره عامل بودن واعظ

امام زین العابدین (علیه السلام) در این باره در دعای مکارم الاخلاق صحیفه می‌فرماید:
 «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَتِهِ، وَفَرَاغًا فِي زَهَادَتِهِ، وَعِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِهِ، وَوَرَعًا فِي إِجْمَالِهِ؛ خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا تندرستی در عبادت و فراغت در زهد و علم با عمل و پرهیزکاری از روی میانه‌روی، روزی فرما»
 (صحیفه سجادیه ص ۱۴۲، دعای ۲۰، فراز ۲۷)

نکته‌ای که در این فراز مربوط به موضوع ماست، "عِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِهِ" است که امام (علیه السلام) در این جمله می‌فرماید: خدایا! دانش و معرفتی که در عمل به کار گرفته شود، روزی من فرما. امام سجّاد (علیه السلام) از خدا می‌خواهد که به او توفیق دهد تا علمش را در عمل به کار گیرد. این نکته اهمّیت فراوان دارد که انسان دانسته‌هایش را در میدان عمل به کار برد، هم خود از آن بهره گیرد و هم دیگران از ثمرات آن سود ببرند. در منطق دین، علم برای علم پسندیده نیست، بلکه آن علم ممدوح است که در صحنه ی عمل به کار گرفته شود، و گرنه صرف علم، آنجا که به خودی خود و بی هیچ مسؤلیت و جهت، هدف قرار گیرد، به کار نخواهد آمد. خلاصه، در میدان عمل است که علم ارزش خود را نشان می‌دهد. حال آن که به دور از حوزه‌ی عمل، هر چند که انسان علم و آگاهی داشته باشد، کار مفید و مؤثری صورت نخواهد گرفت. (اصغر صادقی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۰)

بنابراین برای واعظ ضروری است که عامل به گفته خود باشد و گفتارش مطابق رفتارش باشد.

محتوا و پیام

رکن دوم در فرایند موعظه محتوا و پیام است؛ یعنی آنچه واعظ می‌خواهد بیان کند و مخاطب را نسبت به آن هوشیار سازد. محتوا نیز شرایطی دارد که ذیل چند تا را بیان می‌کنیم:

۱. تناسب با نیاز مخاطب

اولین شرط برای محتوای موعظه تناسب آن با نیاز مخاطب است. واعظ اول باید ببیند که مخاطب او به چه چیزی نیاز دارد و چه چیزی باعث غفلت و گمراهی او از مسیر حق گردیده است، آنگاه مواضع خود را بر همان محور متمرکز سازد. البته ریشه همه انحراف‌ها و گمراهی‌ها، پیروی از هوای نفس، فراموشی خدا و غفلت از یاد اوست که امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه از این‌ها به خدا پناه می‌برند.

- نمونه‌هایی از صحیفه سجادیه درباره تناسب محتوای موعظه

۱. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... مُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَ مَخَالَفَةِ الْهَدَى، وَ سِنَةِ الْغَفْلَةِ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ، وَ إِيْتَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ، وَ الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثِمِ، وَ اسْتِصْغَارِ الْمُعْصِيَةِ، وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ؛ خداوندا، به تو پناه می‌برم از ... پیروی هوا و هوس و مخالفت رستگاری و خواب غفلت و انجام دادن کار با مشقت و برتری دادن باطل بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن نافرمانی و بزرگ شمردن طاعت و بندگی» (صحیفه سجادیه ص ۷۰، دعای ۸، فراز ۲)

پیروی از هوای نفس انسان را از خدا و یاد خدا غافل می‌کند و او را در دنیا فرو می‌برد و انسان در همه این معصیت‌ها غرق می‌شود که امام (علیه السلام) در این فراز بیان فرمودند و تنها راه علاج این حالت نفسانی استعاده به پروردگار است همچنان که حضرت سجاد (علیه السلام) گفت: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... مُتَابَعَةِ الْهَوَى؛ خداوند به تو پناه می‌برم از پیروی هوای نفس. به راستی اگر کمک خداوند متعال نباشد همگی زمین خورده هوای نفس می‌شویم.

۲. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَ أَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصَلِّحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تُعْصِمُهَا؛ خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی‌ام دهد، بگیر و از من برایم، آنچه را که اصلاح نماید، باقی گذار. زیرا نفسم هلاک شونده است، مگر آنکه تو حفظش نمایی» (صحیفه سجادیه ص ۱۳۸، دعای ۲۰، فراز ۱۹)

بنابراین محتوای موعظه در معرض قرآن و احادیث محمد و آل محمد (علیهم السلام) برای غفلت زدگی مخاطب باشد، چون قرآن و فرمان معصوم (علیه السلام) تأثیر و نقش بیشتر بر دل مردم می‌گذارد، و مردم با شنیدن این پیام الهی از شکنجه هوای نفس و غفلت بیرون می‌آیند.

۲. مختصر و مفید بودن محتوا

شرط دوم برای محتوا این است که محتوای موعظه باید مختصر و مفید باشد، یعنی موعظه باید کوتاه و بر مطلقه اساسی و کلیدی تأکید داشته باشد؛ زیرا طولانی کردن موعظه مخاطب را خسته می‌کند و انگیزه او را نسبت به درک و پذیرش پیام تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد.

- نمونه‌ای درباره مختصر و مفید بودن محتوای موعظه در صحیفه سجادیّه

امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیّه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ وَانطِقْنِي بِالْهُدَى؛ خداوندا! مرا به هدایت، گویا کن» (صحیفه سجادیّه

ص ۱۳۸، دعای ۲۰، فراز ۱۶)

با دقت در این کلمات نورانی امام سجاد (علیه السلام) آشکار می‌گردد که امام (علیه السلام) با این کلمات مختصر چه پیام مفید برای شنونده و مخاطب ارسال می‌کنند. امام (علیه السلام) می‌فرماید که: سخن انسان (واعظ) دعوت به نور و هدایت باشد، که این دعوت هدایت متبادل به احیاء انسان است که واعظ به درستی بشناسد و بداند که در فرهنگ دینی، از این جان بخشی یعنی حرکت دادن فرد از کفر به ایمان و از گمراهی به راهیابی و هدایت تعبیر به احیاء شده است. واعظ ابتدا سعی در دستیابی به مشخصه‌های هدایتگری نموده، آن گاه گام گذار این راه شود که در غیر این صورت، خود مشکلی دیگر به بار خواهد آورد. پرحرفی و تکلم زیاد یکی از آفات زبان است و می‌تواند منشأ عوارضی بد و مذموم گردد، و یکی از آفات زبان این است که انسان سخنی بگوید که به آن نیاز ندارد و فاقد خیر دنیا و آخرت باشد، گرچه گفتن چنین کلامی در حالت عادی مباح است، ولی از این جهت که موجب تضییع وقت و عمر گوینده و شنونده می‌شود، برخلاف اخلاق اسلامی است.

۳. ساده و رسا بودن محتوا

سومین شرط برای محتوا این است که محتوای موعظه باید ساده و آسان و با آسانی قابل فهم برای مخاطب باشد، و به صورت مفهوم و مطلوب به مخاطب منتقل شود تا منشأ اثر گردد و هر کس به اندازه درک و ظرفیت خود از آن بهره بگیرد و متذکر گردد.

- نمونه‌ای از صحیفه سجادیّه درباره ساده و رسا بودن محتوا

امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه می‌فرماید:

«سَهِّلْ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلِي؛ خداوندا! راه‌هایم را برای رسیدن به خوشنودی‌ات،

آسان فرما». (صحیفه سجادیّه ص ۱۴۲، دعای ۲۰، فراز ۲۸)

امام علیؑ در این فراز نورانی دعا از خدا درخواست می‌کنند که راه‌های رسیدن به خوشنودی خود برای ما آسان و هموار قرار ده و مقصد و هدف موعظه هم به رسیدن رضایت و خوشنودی خدا است. لذا محتوای موعظه هر چه ساده و آسان باشد، مخاطب به همان مقدار زودتر به راه هدایت و رضایت و خوشنودی خدا می‌رسد.

مخاطب و دریافت کننده وعظ

رکن سوم موعظه، مخاطب و شنونده است. موعظه زمانی مؤثر است که مخاطب آمادگی و استعداد داشته باشد. موعظه بذر است و شنونده زمین و محل کاشتن آن، اگر زمین آمادگی و شرایط لازم برای پذیرش را نداشته باشد، بذر هر چند مرغوب و اصلاح شده باشد و با بهترین شیوه‌ها در زمین پاشیده شود، جز تلف شدن و از بین رفتن بذر چیزی در پی ندارد. واعظ و موعظه نیز اگر تمام شرایط را داشته باشند، ولی در شنونده زمینه پذیرش نباشد، بی‌ثمر خواهند بود.

بنابراین بدیهی است که برای تأثیر موعظه، در مخاطب و شنونده نیز باید شرایطی وجود داشته باشد که چندین را در ذیل ذکر می‌کنیم:

۱. ایمان و اعتقاد به مبدأ و معاد

اولین شرط برای تأثیر موعظه این است که مخاطب به خدا، پیامبر و معاد ایمان داشته باشد؛ زیرا در این امر، واعظ با عنایت به گفته‌های خداوند که به واسطه پیامبر و فرستاده او به بشر ابلاغ شده و از نقش اعمال و رفتار این جهانی انسان در سرنوشت خوب و بد او در قیامت سخن گفته است، مخاطب خود را موعظه کرده، او را به خوبی‌ها دعوت کرده و از بدی‌ها باز می‌دارد. حال چگونه واعظ می‌تواند کسی را که به خدا و پیامبر و معاد اعتقادی ندارد، با استناد به سخنان خدا و پیامبر، از عذاب الهی در قیامت بترساند و یا او را به پاداش الهی بشارت دهد؟ (محمد رضا قایمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۰۹)

- نمونه‌ای از صحیفه سجاده در باره اعتقاد مخاطب

امام زین العابدین علیؑ درباره این در صحیفه می‌فرمایند:

« حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتَ الْبَرْزَخِ ، وَ يَسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ ، وَ يُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ ، (يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ) ، (يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ) ؛ سپاسی که با آن، تاریکی‌های برزخ را برای ما روشن نماید و با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و با آن سپاس، منزلت ما را در جایگاه‌های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد، «روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا

داده شود و آنان هرگز ستم نبینند». «روزی که هیچ دوست، به کار دوست نیاید و یاری نمی‌شوند» (صحیفه سجادیه ص ۲۶، دعای ۱، فراز ۱۲)

مراد از حمد و سپاسی که تاریکی‌های برزخ را روشن می‌گرداند تجسم اعمال و اعتقادات بعد از مرگ است، و در قرآن و اخبار بسیار هست که اعمال صالحه و اعتقادات صحیح بصورت نورانی درآیند و دارنده آن از نور آنها بهره‌مند گردد. (علی نقی فیض الاسلام، ۱۳۷۵، ص ۳۳)

در این فراز امام سجاد (علیه السلام) درباره خدا و معاد و آیات قرآن صحبت کردند، و کسی که به قرآن و حدیث اعتقاد دارد، یقیناً به پیامبر خدا هم یقین و ایمان داشته که به فرموداتشان و کتابی که پیامبر از طرف خدا آورده، عمل می‌کند. بنابراین مخاطب و دریافت کننده وعظ باید به خدا و پیامبر و معاد یقین و ایمان داشته باشد تا بتواند به وعظ واعظ عمل کند.

۲. پند پذیری

پند پذیری و قبول نصیحت و خیر خواهی دیگران شرط دیگری است که باید در مخاطب وجود داشته باشد. باید مخاطب گوش شنوا و قلبی خاشع و پذیرای حقیقت داشته باشد تا موعظه مفید و مؤثر باشد. اگر خدا نکرده مخاطب از روی تکبر، دشمنی و لجاجت و یا هر دلیل دیگر نخواهد به سخن واعظ ترتیب اثر دهد، موعظه خود به خود عقیم خواهد شد. چنین افرادی در حکم مردگان و کرانی هستند که به گفته قرآن حتی واعظ و هادی مثل پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نیز هر چه تلاش کند، نمی‌تواند صدای خود را به گوش آنان برساند. (محمد رضا قایمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۱۱)

- نمونه‌ای از صحیفه سجادیه درباره پند پذیری مخاطب

امام سجاد (علیه السلام) درباره این در صحیفه سجادیه می‌فرماید:

« وَ شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ؛ و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگان دعوت

مشغول ساخت». (صحیفه سجادیه ص ۳۶، دعای ۲، فراز ۱۵)

به گفته امام سجاد (علیه السلام) وعظ و نصیحت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) هم به کسی تأثیر می‌گذارد که اهل نصیحت باشد، وگرنه بدون اهلیت و آمادگی مخاطب، وعظ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هم فایده ندارد. پس از نشستن پای موعظه و استماع نصایح الهی و انبیاء علاج غفلت ضروری است، و کسانی که علاقمند هستند از خواب غفلت بیدار شوند باید خود را در معرض موعظه قرآن و محمد و آل محمد (علیهم السلام) قرار دهند و بدانند که گوش درب دل است

و اگر گوش دل شنوای حقایق شد، قطعا نور بیداری در دل ایجاد می‌شود و مواعظ تاثیرش را می‌گذارد.

انواع موعظه

موعظه به انواع و شیوه‌های مختلف استفاده می‌شود که می‌توان به انواع ذیل استفاده کرد:

۱. موعظه مستقیم و غیر مستقیم

در موعظه، گاهی به صورت مستقیم، گروه و یا فرد خاصی را مورد خطاب قرار می‌گیرد مانند اینکه امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه فرزندان‌شان را در قالب دعا به صورت مستقیم موعظه و نصیحت می‌کنند و از خدا درخواست می‌کنند:

«وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتْقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَ لاَ وَّلِيَّاتِكَ مُجِيبِينَ مَنَاصِحِينَ، وَ لَجْمِيعِ اَعْدَائِكَ مَعَانِدِينَ وَ مَبْغُضِينَ؛ وَ اَنَّا رَا نِيكَو كَارَانِي پَرِهِيْزِ كَار وَ دَانَا وَ شَنَاوَا وَ فَرْمَانِبَرِ خُودِ، وَ دُوسْتَدَار وَ پَنَد دَهْنَدَه دُوسْتَانَتِ، وَ سَتِيْزَه جُو وَ كِيْنَه تُوْزِ هَمَه دَشْمَنَانَتِ قَرَار دَه.» (این دعا را) اجابت فرما» (صحیفه سجادیه، ص ۳۶، دعای ۲، فراز ۱۵)

گاهی موعظه به صورت کلی و غیر مستقیم انجام پذیر می‌شود؛ مانند اینکه امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۶ صحیفه سجادیه دعا برای همسایگان و دوستانش می‌فرماید و از خدا درخواست می‌کنند، که در اینجا نوعی موعظه کلی و غیر مستقیم برای همسایگان و دوستانشان در قالب دعا می‌باشد:

«وَ وَقَّفْهُمْ لِاِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْاِخْذِ بِمَحَاسِنِ اَدَبِكَ فِيْ اِرْفَاقِ ضَعِيْفِيْهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِيْهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيْضِيْهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِيْهِمْ، وَ مَنَاصِحَةِ مُسْتَشِيْرِيْهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِيْهِمْ، وَ كِتْمَانِ اَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نَصْرِهٖ مَظْلُوْمِيْهِمْ، وَ حُسْنِ مُوَاَسَاَتِيْهِمْ بِالْمَاعُوْنِ؛ وَ اَنَّا رَا نِيكَو كَارَانِي پَرِهِيْزِ كَار وَ دَانَا وَ شَنَاوَا وَ فَرْمَانِبَرِ خُودِ، وَ دُوسْتَدَار وَ پَنَد دَهْنَدَه دُوسْتَانَتِ، وَ سَتِيْزَه جُو وَ كِيْنَه تُوْزِ هَمَه دَشْمَنَانَتِ قَرَار دَه.» (این دعا را) اجابت فرما» (صحیفه سجادیه، ص ۱۷۲، دعای ۲۶، فراز ۲)

همین طور می‌توان گفت که همه دعای ۲۶ یک نوعی موعظه کلی و غیر مستقیم برای همسایگان و دوستان می‌باشد؛ چون از همسایه و دوست شخص خاص مورد خطاب قرار نگرفته است.

۲. موعظه فردی و جمعی

همچنین یک نوع دیگر موعظه فردی و جمعی هم می‌باشد که می‌توان با مثال‌های بالا صحیفه سجادیّه بیان کرد، اما توجه داشته باشیم که موعظه‌های فردی صحیفه سجادیّه گرچه به ظاهر خطاب به یک فرد خاص است، ولی در واقع این موعظه و نصیحت عام و برای همه مردم می‌باشد.

۳. موعظه در قالب عبرت از گذشتگان

یکی دیگر از انواع موعظه، موعظه در قالب بیان عبرت از سرنوشت گذشتگان می‌باشد که می‌تواند واعظ را به اهداف خود برساند و مخاطب را تا اندازه‌ای جذب واعظ و پندهای او نماید.

امام سجاد علیه السلام درباره این می‌فرماید:

«وَلَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهًا، وَلَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اَتَعَطَّ، وَلَا نَكَالًا لِمَنْ اَعْتَبَرَ، وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ؛ و مرا در سرکشی‌ام سرگردان و در گرداب غفلتم، تا مدت زمانی بی خبر رها نکن. و مرا پند پندگیران و درس عبرت پذیران و موجب گمراهی بینندگان، قرار نده». (صحیفه سجادیّه، ص ۳۳۰، دعای ۴۷، فراز ۱۲۴)

امام سجاد علیه السلام در این فراز دعا می‌فرماید که همان‌طور که ما از داستان‌های دیگران عبرت و نصیحت می‌گیریم، ما مثل گذشتگان مایه عبرت دیگران نشویم. بنابراین می‌توان گفت که موعظه به شیوه داستان هم انجام داده می‌شود که هدف از داستان‌ها و سرگذشت‌ها، پند دادن به مخاطب و فراهم کردن زمینه عبرت گرفتن و متذکر شدن اوست.

۴. موعظه در قالب توصیف الگوها

یکی دیگر از انواع موعظه این است که موعظه در قالب توصیف الگوها باشد؛ به این معنی که واعظ به جای اینکه مستقیماً به شنوندگان بگوید و آنها را به کاری دعوت کند، صفات پسندیده مؤمنان و متقیان را بیان می‌کند، و مخاطبین و شنوندگان را به انجام کارهای آنان دعوت، و از کارهای ناپسندی که آنها دوری داشتند، هشدار می‌دهد.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیّه الگوها و نمونه‌های از انسان‌های کامل که مسیر زندگی را به خوبی طی کردند و همیشه الگوهای شایسته برای دیگران‌اند، را بیان فرمودند، و ذات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را الگوی کامل برای انسان‌ها بیان می‌فرمایند، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تطبیق روابط خود با مردم با ارزش‌های دنیوی، مانند روابط خانوادگی، یا

روابط قبیله‌ای و یا سلسله مراتب اقتصادی تمرکز نداشت، بلکه دین الهی را تنها معیار ارزش و احترام می‌دانست.

امام علیه السلام در توصیف ویژگی‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«وَ كَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ، وَ حَارَبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ، وَ قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ، وَ أَقْصَى الْأَدْنَيْنِ عَلَى جُودِهِمْ، وَ قَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ، وَ وَآلَى فِيكَ الْأَبْعَدَيْنِ، وَ عَادَى فِيكَ الْأَقْرَبَيْنِ؛ و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت، و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله‌اش جنگید، و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست، و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود، و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان - برای تو - نزدیک نمود، و به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد، و به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود» (صحیفه سجادیه، ص ۳۴، دعای ۲، از فراز ۶ تا ۱۲)

در این فرازها ضمن مدح رسول اعظم صلی الله علیه و آله خطوط اصلی رفتار بین ایشان و انسان‌های دیگر در پذیرفتن حق و سر سپردن به فرمان‌های الهی و لیبیک گفتن به ندای خداوند بیان شده است. چه در دوستی‌ها و چه در دشمنی‌ها، ملاک ایشان ارزش‌های معمولی در جامعه نبود، بلکه با عمل خود، الگویی را پیش چشم انسان‌ها قرار داد که در رقابت‌ها یا نمره دادن به یکدیگر به معیارهای الهی را نظر کرد.

بنابراین واعظ باید موعظه را در قالب الگوها به گونه‌ای بیان کند که شنونده و مخاطب اگر گوش‌شنوا و دلی بیدار داشته باشد، از آن درس می‌گیرد و در جهت عکس آن عمل می‌کند، چون اگر الگویی در کنار پند و اندرز نباشد که شخص، عملاً اثر پند و اندرز را در وجود او، عملی و اجرا شده ببیند تا از او پیروی کند، موعظه به تنهایی کافی نیست.

نتیجه

در نتیجه می‌توان گفت که: موعظه یکی از روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی می‌باشد که امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه از آن فروان بهره برده‌اند. در این روش، واعظ با انداز و هشدار دادن شنوندگان و مخاطب، از عواقب گناه و عذاب دردناک اخروی و نیز بشارت دادن و امید به نعمت‌ها و پاداش‌های الهی در دنیا و آخرت، مخاطب خود را به اطاعت خدا و اطاعت امر خدا و از نافرمانی و معصیت خدا، پیروی از هوای نفس و دلدادگی به دنیا تشویق و تنبیه می‌کند، به گونه‌ای که در اثر این هشدار، عواطف شنوندگان برانگیخته می‌شود و دلش نرم و خاشع می‌گردد و زمینه اصلاح و تغییر نگرش و رفتار در او فراهم می‌شود.

منابع:

- قرآن کریم
- اعوانی، محمد رضا، یونسی، مجید، پناه امن، پیام مقدس، چاپ اول، ۱۳۹۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- رضایی بیرجندی، علی، سبک زندگی در صحیفه سجادیه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۵.
- رضوانی، علی اصغر، پیام‌ها و هدایت‌ها در صحیفه سجادیه، قم، دلیل ما، ۱۳۸۹.
- رضوی، مرتضی، انسان و علوم انسانی در صحیفه سجادیه، مولف، ۱۳۹۲.
- سجادی، سید احمد، فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای، ۱۳۹۲.
- سجادی، سید احمد، ترجمه صحیفه سجادیه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۸.
- صادقی، اصغر، شرح دعای مکارم الاخلاق، تهران، نبأ، ۱۳۸۸.
- الطریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد الحسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- فلسفی، محمد تقی، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- فهری رنجانی، احمد، شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، بی جا بی نا، ۱۳۷۵.
- قائمی مقدم، محمد رضا، روش‌های تربیتی در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- محمدی، حمید، درسنامه صحیفه سجادیه، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر آفاق، چاپ ششم، ۱۳۹۶.
- ممدوحی، حسن، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳.